





دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره دکتری علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)

سعادت و آزادی از منظر لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان

تلاش برای یافتن رویکردی خاص جامعه ایرانی

سید مجتبی عزیزی

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر داود فیروزی

تابستان ۱۳۹۰

تقديم به مادرم كه برايم مظهر رحمت
الهي است و تقديم به پدرم كه برايم مظهر رأفت
الهي است و تقديم به پسرعم آقا سيد علي آقا كه
برايم مظهر لطف الهي است.

تشکر از همه کسانی که در انجام این تحقیق و شکل گیری این پایان نامه نقش داشته اند از عهده ام خارج است و از خدای متعال برای همه ایشان خیر کثیر را خواهانم. در انجام این تحقیق مدیون همکاری و مساعدت دوستان و اساتیدی هستم که نخواهم توانست از عهده تشکر زحماتشان برآیم. اساتید گرامی ای که در طول تحصیل این جانب در دانشگاه تهران مطالب بسیاری از ایشان فراگرفتم. در این تحقیق نیز این استادان گرامی صمیمانه راهنمایی و مشاوره این پایان نامه را برعهده گرفتند و مرا در انجام آن یاری نمودند. حجت الاسلام دکتر فیرحی استاد محترم راهنما، دکتر عالم و دکتر خالقی اساتید محترم مشاور و داوران گرامی ای که زحمت داوری این پایان نامه را قبول کردند.

دوران تحصیل در دوره دکتری دانشگاه تهران دورانی سراسر تلاش و کوشش در عرصه های مختلف بود، این سعی و تلاش که پایان نامه حاضر نتیجه گوشه ای از آن است که حقیقتاً کاری دو نفره بوده است که بخش اعظم آن را همسرم متقبل شده است و چون همیشه همراه و مشوق من در تلاش به سمت تعالی بوده است، این پایان نامه بدون کمک های او شکل نمی گرفت و همانند همه دیگر نوشته هایم، کار مشترکی از من و اوست.

چکیده:

رساله حاضر با عنوان «سعادت و آزادی از منظر لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان؛ تلاش برای یافتن رویکردی خاص جامعه ایرانی» در پی بررسی این فرضیه است که «از میان دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی، با توجه به تلقی‌های خاصی که هر یک از این دو مکتب از دو مفهوم سعادت و آزادی ارائه می‌کنند، ظرفیت تلقی‌ها و مفهوم‌سازی‌های مکتب اجتماع‌گرایی برای تحلیل مسائل اندیشه سیاسی ایران در این دو مفهوم بیشتر از مکتب لیبرالیسم است.» به لحاظ چارچوب نظری این رساله در عرصه فلسفه سیاست قرار می‌گیرد و تلاش کرده است تا با تکیه بر روش پژوهشی تحلیلی به سوالات مطرح شده اصلی و فرعی آن پاسخ دهد. یافته‌های نهایی پایان‌نامه حاضر چنین بیان می‌دارد که: به واسطه چهار اشکال اصلی ۱. مساله جهان‌شمولی؛ ۲. پیش‌فرض گرفتن یک جامعه خاص (مورد قراردادگرایی)؛ ۳. ارتباط با دیگر جوامع و ۴. تعیین حیطه آزادی می‌توان نتیجه گرفته که لیبرالیسم توان لازم برای جهان‌شمولی را ندارد و از این رو به کارگیری آن در جوامعی غیر از زادگاه اصلی این اندیشه با مشکلات جدی مواجه است. از سوی دیگر اجتماع‌گرایی نیز با وجود چهار مساله جدی ۱. ابهام در فضایل؛ ۲. مشکلات سیاست‌گذاری عمومی؛ ۳. مساله جهان‌شمولی و ۴. ارتباط با دیگر جوامع با مشکلاتی در به کارگیری در جوامع غیر زادگاه خود مواجه است. با این همه می‌توان مدعی شد که از میان دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی، با توجه به تلقی‌های خاصی که هر یک از این دو مکتب از دو مفهوم سعادت و آزادی ارائه می‌کنند، ظرفیت تلقی‌ها و مفهوم‌سازی‌های مکتب اجتماع‌گرایی برای تحلیل مسائل اندیشه سیاسی ایران در این دو مفهوم بیشتر از مکتب لیبرالیسم است.

کلید واژه‌ها: لیبرالیسم، اجتماع‌گرایی، سعادت، آزادی، ایران

فهرست مطالب:

۵.....	چکیده:
۹.....	فهرست علائم اختصاری.....
۱۰.....	مقدمه:
۱۰.....	اهداف پژوهش:
۱۲.....	اهمیت و ضرورت پژوهش:
۱۳.....	سوابق و پیشینه: (ادبیات موضوع).....
۱۴.....	چارچوب نظری:
۱۴.....	مفروضات:
۱۵.....	سوالات:
۱۵.....	فرضیات:
۱۶.....	روش تحقیق:
۱۷.....	سازمان فصول:
۲۳.....	بخش اول:

۲۳	مقدمه:
۲۶	فصل اول: مبانی نظری و روش شناختی
۲۷	روش تحلیلی در فلسفه سیاست چیست؟
۳۲	معیارهای روش تحلیلی در فلسفه سیاست
۳۳	سه شاخصه روش تحلیلی در فلسفه سیاست
۵۲	جمع بندی
۵۵	فصل دوم: معرفی اجمالی آراء رولز و سندل
۵۵	معرفی آراء رولز:
۷۲	معرفی آراء سندل
۷۵	جمع بندی:
۷۸	بخش دوم: لیبرالیسم سیاسی
۷۸	مقدمه:
۷۸	فصل سوم: بازسازی لیبرالیسم سیاسی بر اساس دو مفهوم سعادت و آزادی
۹۰	بازسازی لیبرالیسم بر اساس دو مفهوم آزادی و سعادت
۱۱۹	انتقادات اجتماع گرایان بر لیبرالیسم

۱۱۹.....	مقدمه:
۱۴۷.....	جمع بندی
۱۵۱.....	بخش سوم: اجتماع گرایی
۱۵۱.....	مقدمه:
۱۶۶.....	فصل پنجم: بازسازی اجتماع گرایی بر اساس دو مفهوم سعادت و آزادی
۱۸۴.....	فصل ششم: انتقادات لیبرال‌ها بر اجتماع گرایی
۲۲۹.....	جمع بندی
۲۳۳.....	بخش چهارم: لیبرالیسم، اجتماع گرایی و ایران
۲۳۳.....	فصل هفتم
۲۳۳.....	مقدمه:
۲۶۷.....	دو عنصر اصلی هویت جامعه ایران
۳۲۱.....	جمع بندی و نتیجه گیری
۳۳۵.....	بخش پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری
۳۶۲.....	پیوست شماره یک
۳۸۳.....	پیوست شماره دو

۳۸۹..... فهرست منابع:

۳۸۹..... منابع فارسی:

۳۹۲..... منابع لاتین:

فهرست علائم اختصاری

AL: Against Liberalism, Kekes, John (1997), Cornel University Press, London.

DD: Democracy's discontent America in search of a public philosophy, Sandel, Michael J. (1996), Cambridge, mass: the beknnap press of Harvard university press.

LHMP: Lectures on the History of Moral Philosophy, Rawls, John (2000), Edited by Barbara Harman, Harvard University Press.

LIC: Liberalism and Its Critics, Sandel, Michael J. (1994), New York: New York University Press.

LLJ: Liberalism and the Limits of Justice,(1982) Sandel, Michael J., Cambridge University Press.

PL: Political Liberalism, Rawls, John (1993), New York, Columbia University Press.

TJ: A Theory of Justice, Rawls, John (1971/1999), Harvard University Press, Cambridge MA.

مقدمه:

لیبرالیسم (Liberalism) و اجتماع‌گرایی (Communitarianism) دو مکتب رقیب و دو نحله فکری و سیاسی جدی غرب کنونی هستند که در نقد و انتقادات فراوانی که بر یکدیگر دارند می‌کوشند شیوه حل مسائل اساسی فلسفه سیاست را برای جامعه غربی پیدا کنند. در میان این مسائل دو مسئله اساسی سعادت و آزادی جایگاه مهمی در مناقشات لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان دارند.

در این پایان‌نامه تلاش خواهد شد که در ضمن بررسی مناقشات این دو مکتب و ارائه گزارشی تحلیلی از این مناقشات خصوصاً در حیطه دو مفهوم مهم و اساسی سعادت و آزادی، نگاهی به جامعه ایران و حل مناسب این سوال برای جامعه خود نیز داشته باشیم. از این رو پایان‌نامه علاوه بر آن که در حیطه فلسفه سیاست قرار دارد نگاهی بومی را نیز پی‌گیری خواهد نمود.

اهداف پژوهش:

هدف پژوهش حاضر آن است که اولاً تا حد توان و به میزان وسع پژوهشگر روایتی قابل اعتماد از مناقشات دو مکتب رایج کنونی عرصه اندیشه سیاسی در مورد دو مبحث اصلی اندیشه سیاسی ارائه شود. این دو مکتب چنان

که ذکر شد لیبرالیسم از یک سوی و اجتماع‌گرایی از سوی دیگر است. در میان مناقشات این مکاتب رایج آنچه تمرکز اصلی این پایان‌نامه بر آن خواهد بود رسیدگی به مناقشات صورت گرفته بر سر سعادت و آزادی است. به این ترتیب اولین هدف این پایان‌نامه این خواهد بود که روشن سازد از نگاه هر یک از این مکاتب سعادت و آزادی چگونه تعریف می‌گردد و یا چه تلقی‌هایی از این دو مفهوم اساسی اندیشه سیاسی توسط این دو مکتب ارائه می‌گردد. از این رو نویسنده خواهد کوشید که به نوعی این دو مفهوم اساسی و مهم اندیشه سیاسی را بر مبنای آراء متفکران لیبرال و نیز متفکران اجتماع‌گرا به طور جداگانه بازسازی کند. اما باید توجه داشت که این امر کاری ساده نیست، چرا که همانطور که برخی از صاحب‌نظران خاطر نشان ساخته‌اند: «از آنجا که لیبرالیسم حاصل کار یک متفکر واحد نبوده است؛ هرگز به صورت یک دکترین یگانه ارائه نشده است. نویسندگان لیبرال متعددی در زمانهای متفاوت تفاسیر متفاوت و حتی گاه متعارضی از لیبرالیسم ارائه کرده‌اند. اما با این همه میزان اشتراکات این نظرات به حدی هست که بتوان همه آنها را تحت عنوان کلی «لیبرال» دسته‌بندی کرد. این اشتراکات باعث می‌شود که بتوان لیبرالیسم را یک مکتب فکری خاص دانست.» (بنویست، ۲۰۰۷-۲۰۰۸، ۹)

همین مطلب در مورد مکتب اجتماع‌گرایی نیز البته با تشبث و تفرقه بیشتری صادق است. از این رو نویسنده خواهد کوشید که در میان متفکران لیبرال بر یک متفکر و در میان متفکران اجتماع‌گرا نیز بر یک نفر از آنها تمرکز نماید. البته این امر به این معنی نیست که آثار و آراء دیگر متفکران این مکاتب نادیده گرفته شود، اما برای آنکه بتوان یک روایت قابل اعتماد و جدی از بازسازی این مفاهیم ارائه کرد باید آراء یک متفکر را هسته مرکزی قرار دهیم و از آراء دیگر همفکران او برای تکمیل این بازسازی استفاده کنیم.

از میان متفکران لیبرال برای منظور ذکر شده جان (جک) بوردلی رولز^۱ فیلسوف و متفکر فقید آمریکایی و استاد انتخاب شده است. رولز از شناخته شده ترین فیلسوفان لیبرال معاصر است که به تعبیر استاد فلسفه دانشگاه کوین، ویل کیملیکا^۲ می توان او را نماینده مکتب لیبرالیسمی دانست که اکنون در جهان غرب در حال اجرا می باشد. از سوی دیگر از میان فیلسوفان و متفکران اجتماع گرا پروفیسور مایکل جی. سندل^۳ استاد مطالعات دولت در دانشگاه هاروارد و صاحب نظر برجسته آمریکایی انتخاب شده است که به عنوان برترین منتقد آثار و آراء رولز شناخته می شود. اهمیت این دو متفکر برای تحقیق حاضر از این روست که رولز نمونه قابل توجه، شناخته شده و قابل پذیرشی از یک متفکر لیبرال است و از سوی دیگر سندل به عنوان یک فیلسوف اجتماع گرا منتقدی جدی برای رولز است و از این رو بازسازی مفاهیم آزادی و سعادت از منظر هر یک از این دو متفکر تا حد زیادی می تواند به اهداف این تحقیق جامه عمل بپوشاند. البته به طور قطع پژوهش حاضر نمی تواند به این دو متفکر محدود شود و برای بررسی همه جانبه آراء این دو مکتب در مورد دو مفهوم سعادت و آزادی مجبور خواهد بود که آراء متفکران فراوان دیگری را نیز مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

در باب اهمیت و ضرورت این پژوهش و پژوهش هایی از این دست اشاره به همین نکته کافی به نظر می رسد که آشنایی با مکاتب روز اندیشه سیاسی و آگاهی از مناقشات اصلی این مکاتب بر سر مسائل مهم زندگی بشر یکی

¹ John (Jack) Bordley Rawls (February 21, 1921 – November 24, 2002)

² Will Kymlicka, Professor of philosophy at Queen's University

³ Michael J. Sandel (born March 5, 1953)

از مهمترین رسالت‌های رشته اندیشه سیاسی خصوصا در مقاطع تکمیلی است. به عبارت دیگر ضرورت پژوهش حاضر همان ضرورت شکل‌گیری رشته اندیشه سیاسی در مقاطع تکمیلی می‌باشد. چرا که هدف پژوهش حاضر بیان و بازسازی مناقشات مکاتب مهم روز و فلسفه سیاست در زمینه مسائلی است که از مهمترین مسائل و مفاهیم هر یک از مکاتب سیاسی و اجتماعی محسوب می‌گردند.

بحث از سعادت و بحث از آزادی و معرفی تلقی‌های متفاوت و گاه متعارض مکاتب مختلف سیاسی و اجتماعی در باب این دو مفهوم و آثار فراوانی که این تفاوت در تلقی‌ها در جای جای اندیشه‌های سیاسی مکاتب مختلف ایجاد می‌کند هدف اصلی این پژوهش است و از این رو ضرورت و اهمیت آن روشن می‌گردد.

سوابق و پیشینه: (ادبیات موضوع)

در مورد سوابق و پیشینه موضوع باید خاطر نشان ساخت که پرداختن به هر یک از دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی در متون غیر فارسی (انگلیسی) سابقه فراوان دارد ولی در زبان فارسی هرچند لیبرالیسم بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است اما به جز چند کتاب مطلب چندانی در ایران منتشر نشده است. اما آنچه تحقیق حاضر را بدیع و نو می‌کند این است که حتی در زبان انگلیسی نیز (تا آنجا که جستجوهای فراوان نویسنده نشان می‌دهد) متنی که دقیقا به همین موضوع پردازند و مناقشات لیبرالها و اجتماع‌گرایان را بر سر مفاهیم سعادت و آزادی بررسی کند وجود ندارد.

چارچوب نظری:

این پایان‌نامه به لحاظ چارچوب کلی آن ذیل مباحث فلسفه سیاست و یا اندیشه سیاسی قرار می‌گیرد. از این رو پژوهشی در باب مکاتب اندیشه سیاسی محسوب می‌شود و به لحاظ تقسیم بندی‌های موجود در دسته‌بندی پژوهش‌های تحلیلی - کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد. در واقع دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی موضوع تحقیق حاضر خواهند بود اما چارچوب نظری حاکم بر این تحقیق متشکل از این طرز تفکر است که این مکاتب هر یک مفهومی از دو مقوله مهم آزادی و سعادت بشری ارائه کرده‌اند و حتی اگر به صراحت به مفهوم بندی آن نپرداخته باشند، می‌توان بر اساس مبانی این مکاتب به مفهوم بندی آن پرداخت. علاوه بر این توجه به مطالعات مقایسه‌ای در این سطح از موارد تشکیل دهنده چارچوب نظری این تحقیق است.

مفروضات:

مهمترین مفروضات این تحقیق را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

پذیرش لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی به عنوان دو مکتب جدی معاصر در عرصه اندیشه سیاسی

قائل شدن به این که هر یک از این دو مکتب در باب آزادی و سعادت دارای تلقی و تعریف خاص خود است که با پژوهش در مبانی و مصادر این مکاتب قابل دستیابی و بازسازی است.

قائل شدن به این که هر یک از دو متفکری که به عنوان آراء مرکزی این تحقیق قرار داده شده‌اند یک نمونه قابل توجه از متفکران آن مکتب هستند. یعنی مایل ساندل برای اجتماع‌گرایی و جان رولز برای لیبرالیسم.

و به نوعی مهمتر از همه این که با بررسی این دو مکتب و با نگاهی به جامعه ایرانی می‌توان میزان توانایی هر یک از این دو مکتب در تحلیل مسائل اندیشه سیاسی ایران را ارزیابی و مقایسه کرد.

سوالات:

سوال اصلی این تحقیق به شرح زیر است:

با توجه به مفاهیم رایج در میان لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان، کدام یک از این دو مکتب در تحلیل مسائل اندیشه سیاسی امروز در کشور ما تواناتر است؟

و سوالات فرعی این پژوهش عبارتند از:

۱. تلقی رایج در میان لیبرال‌ها در مورد مفهوم آزادی و مفهوم سعادت چیست؟
۲. تلقی رایج در میان اجتماع‌گرایان در مورد مفهوم آزادی و مفهوم سعادت چیست؟
۳. اجتماع‌گرایان و لیبرال‌ها در نقد و انتقاد از آراء یکدیگر در باب این دو مفهوم چه ایراداتی را بر یکدیگر وارد دانسته‌اند؟

فرضیات:

فرضیه زیر به عنوان فرضیه این پژوهش مطرح می‌گردد:

از میان دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی، با توجه به تلقی‌های خاصی که هر یک از این دو مکتب از دو مفهوم سعادت و آزادی ارائه می‌کنند، ظرفیت تلقی‌ها و مفهوم‌سازی‌های مکتب اجتماع‌گرایی برای تحلیل مسائل اندیشه سیاسی ایران در این دو مفهوم بیشتر از مکتب لیبرالیسم است.

روش تحقیق:

روش گردآوری اطلاعات به کار گرفته شده در این پژوهش کتابخانه‌ای خواهد بود اما روش پژوهش این پایان‌نامه روش تحلیلی خواهد بود. منظور از روش تحلیلی در این پایان‌نامه همان روشی است که مایکل سندل در کتاب‌های مشهور خویش در نقد لیبرالیسم به کار گرفته است. کتابهای:

Sandel, Michael J., *liberalism and the Limits of Justice*, Cambridge University Press, 1982.

-----, *Democracy's discontent, America in search of a public philosophy*, Cambridge, mass: the beknapp press of Harvard university press, 1996.

در این شیوه که همانند آن را می‌توان در آثار متفکرانی چون تیلور در کتاب اخلاق اصالت نیز یافت نویسنده تلاش می‌کند که با کنکاش در پیش‌فرض‌ها و نتایجی که بر یک موضع‌گیری یا نظریه‌پردازی بار می‌شود آن نظریه را تحلیل نماید. در این روش چنان که در سرتاسر کتب مذکور مشاهده می‌شود نویسنده تلاش خواهد کرد که هم اصلی او بر مشخص کردن مفاهیمی باشد که به کار گرفته می‌شوند و از طریق روشن کردن مفاهیم

و تدقیق تلقی به کار گرفته شده از آنها به تحلیل نتایج پردازد. در بخش اول این پایان‌نامه به تفصیل از روش پژوهش و مبانی نظری آن سخن به میان خواهد آمد.

سازمان فصول:

لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی را می‌توان به نوعی دوگان امروزین مطرح در فلسفه سیاست غرب دانست. در حال حاضر لیبرالیسم با جدی‌ترین منتقدین خود در میان اجتماع‌گرایان روبروست. در این میان البته لیبرال‌ها همه در یک صف واحد قرار نمی‌گیرند چنان که قرارداد اجتماع‌گرایان در یک دسته واحد نیز حتی مورد اعتراض خود ایشان است. اما می‌توان مدعی شد که در میان نحله‌های پر رنگ و کم رنگ لیبرالیسم، لیبرالیسم رولزی یا آنچه لیبرالیسم سیاسی نامیده می‌شود در حال حاضر از اهمیت و تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است و در میان منتقدان اجتماع‌گرای لیبرالیسم نیز مایکل سندل از برجسته‌ترین‌ها محسوب می‌شود. از سوی دیگر در میان مفاهیم عرصه فلسفه سیاست دو مفهوم سعادت و آزادی و ربط و نسبتی که این دو با هم دارند، جایگاهی بی‌بدیل دارند و از این رو در پایان‌نامه حاضر تلاش شده است تا دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی را بر اساس نگاهی که به دو مفهوم سعادت و آزادی دارند مورد بازسازی قرار دهیم و شاخصه‌ها و ممیزات هر یک از این دو مکتب را بر اساس محور قرار دادن دو مفهوم سعادت و آزادی بیان کنیم. بر همین اساس سوال اصلی این تحقیق به شرح زیر است: «با توجه به مفاهیم رایج در میان لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایان، کدام یک از این دو مکتب در تحلیل مسائل اندیشه سیاسی امروز در کشور ما تواناتر است؟» به عبارت بهتر در سوال اصلی به دنبال این هستیم که کدام یک از این دو فلسفه اجتماعی توان بهتری در به کار گرفته شدن در جامعه غیر زادگاه خود را

دارد. البته در کنار این سوال اصلی سوالات فرعی دیگری نیز مورد توجه بوده‌اند که این سوالات فرعی در حقیقت زمینه ساز پاسخ به سوال اصلی ما و شکل دهنده به پاسخ ما در این زمینه بوده‌اند. فرضیه‌ای که در این پایان نامه مورد توجه بوده است و در راستای تایید و یارد آن تلاش شده است این است که «از میان دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع‌گرایی، با توجه به تلقی‌های خاصی که هر یک از این دو مکتب از دو مفهوم سعادت و آزادی ارائه می‌کنند، ظرفیت تلقی‌ها و مفهوم‌سازی‌های مکتب اجتماع‌گرایی برای تحلیل مسائل اندیشه سیاسی ایران در این دو مفهوم بیشتر از مکتب لیبرالیسم است.»

بر این اساس پایان نامه حاضر در یک مقدمه و پنج بخش تنظیم شده است. که در بخش اول به مباحث روش شناختی و ادبیات موضوع پایان نامه پرداخته شده است و علاوه بر بیان مشخصات روش تحلیلی در فلسفه سیاست که روش پایان‌نامه حاضر است به معرفی رولز و آراء او خصوصاً نظریه «عدالت به مثابه انصاف» و معرفی سندل و انتقادات او بر لیبرالیسم پرداخته شده است. شاخصه‌های روش تحلیلی در فلسفه سیاست که در این بخش به دست آمده است عبارتند از: تحلیل و ریشه‌یابی مفاهیم، توجه به خویش‌نمون و خویش‌تاریخ.

بخش دوم پایان نامه حاضر به بازسازی لیبرالیسم اختصاص دارد. در این بازسازی تلاش شده است تا شاخصه‌های اصلی لیبرالیسم بر اساس دو مفهوم اصلی آزادی و سعادت مورد توجه قرار گیرد که هشت شاخصه بیان شده در این بخش عبارتند از: ۱. سعادت امری فردی است. ۲. آزادی یعنی انسان در درک سعادت خودمختار است. ۳. سعادت امری مناقشه برانگیز است. ۴. تلقی‌های مختلف از سعادت همه با هم برابرند. ۵. حکومت باید نسبت به این تلقی‌های مختلف افراد از سعادت بی‌طرف باشد. ۶. آزادی نافی دکتورین‌های جامع است. ۷. این سعادت و آزادی قانون را بیانیه‌ای حقوقی می‌کنند. ۸. ارزیابی سعادت افراد ممنوع است. سپس در

ادامه انتقادات اجتماع گرایان بر لیبرالیسم در همین زمینه مطرح شده است که این انتقادات به اختصار شامل موارد زیر هستند: ناتوانی در ایجاد یکپارچگی اجتماعی و حفظ جامعه؛ سردرگمی در مفهوم آزادی؛ سردرگمی در مفهوم بی طرفی و ناتوانی در ایجاد آن؛ از دست دادن کنترل بر زندگی اجتماعی؛ بی معنایی زندگی و پوچی آن؛ تعارض درونی لیبرالیسم و دموکراسی؛ ناتوانی دولت در ترویج فضایل؛ تبدیل انسان به موجود بی ارزش و بی افتخار.

بخش سوم پایان نامه متناظر با بخش دوم به بازسازی اجتماع گرایی و نقدهای لیبرالها بر آن اختصاص دارد. شاخصه های اجتماع گرایی مطابق یافته های این فصل عبارتند از: ۱. آزادی برای فضیلت؛ ۲. انسان متعهد در برابر انسان فارغ البال (انسان متعهد به فضایل مورد نیاز برای سعادت)؛ ۳. حکومت فضیلت (سعادت) محور در برابر دولت بی طرف؛ ۴. رابطه حقوق و تکالیف در برابر اولویت حق بر سعادت؛ ۵. مشارکت در برابر فرد گرایی و ۶. رابطه فرد و اجتماع. در ادامه این بخش به انتقادات لیبرالها بر اجتماع گرایی پرداخته شده است که به اختصار عبارتند از: اجتماع گرایی در اجتماع گرایان از آزادی لیبرالی؛ سعادت اجتماع گرایانه بر دگرترین جامع فلسفی استوار است؛ درک نا صحیح اجتماع گرایان از بی طرفی لیبرالی؛ درک ناصحیح اجتماع گرایان از فارغ البالی لیبرالی؛ اجتماع گرایان و مساله فضیلت و فضایل مدنی؛ اجتماع گرایان و بزرگنمایی اشکالات لیبرالیسم؛ امتناع عملی اجتماع گرایی.

بخش چهارم پایان نامه در چهار گام اصلی طراحی شده است. در اولین گام با استفاده از مباحث گذشته به بحث از ناتوانی لیبرالیسم در انطباق با جوامع غیر بومی خواهیم پرداخت و طی آن نشان خواهیم داد که از آنجا که جامعه ایران نسبت به فلسفه اجتماعی لیبرالیسم یک جامعه اساسا غیر بومی محسوب می شود، چه اشکالات و

موانعی بر سر راه لیبرالیسم برای به کار گرفته شدن در جامعه ایران وجود دارد. این مبحث در واقع تاییدی بر فرضیه اصلی این پایان نامه ارائه خواهد نمود. در دومین گام این بخش به عناصر شکل دهنده به جامعه ایران به عنوان عوامل هویت بخش کنونی جامعه ایرانی خواهیم پرداخت. در این مبحث با تکیه بر دو عامل اسلامیت و ایرانییت نشان خواهیم داد که این دو کل اساسی شکل دهنده به جامعه کنونی ایران هستند. این بحث از آن رو اهمیت پیدا می کند که در مقایسه میان لیبرالیسم و اجتماع گرایی بر سر توانایی تبیین و تحلیل مسائل جامعه ایران که در گام سوم این بخش صورت می گیرد بر این دو عامل یعنی اسلامیت و ایرانییت و عناصر تشکیل دهنده آنها تاکید خواهیم داشت. در گام سوم این بخش با استفاده از مبانی ایجاد شده توسط دو گام قبلی به تفصیل توانمندی بیشتر اجتماع گرایی در تبیین مسائل جامعه ایران را مورد بحث قرار خواهیم داد و از این رو شش شاخصه اصلی اجتماع گرایی را که در بخش سوم همین پایان نامه طراحی نموده ایم به کار خواهیم گرفت و نشان خواهیم داد که این شش شاخصه در مجموع بیش از ۸ شاخصه اصلی لیبرالیسم که در بخش دوم این پایان نامه طراحی کرده ایم، توان تبیین و تحلیل مسائل جامعه ایران را دارند. در گام چهارم و نهایی این بخش، طی مبحثی انتقادی نشان خواهیم داد که اجتماع گرایی نیز در به کار گرفته شدن در جوامع غیربومی این فلسفه اجتماعی بدون مشکل نیست. از این رو بحثی نظری در مشکلات اجتماع گرایی از این منظر خواهیم داشت.

با این همه در نهایت و در بخش پنجم و با تحلیل های صورت گرفته نشان داده شده است که می توان مدعی شد که از میان دو مکتب لیبرالیسم و اجتماع گرایی، با توجه به تلقی های خاصی که هر یک از این دو مکتب از دو مفهوم سعادت و آزادی ارائه می کنند، ظرفیت تلقی ها و مفهوم سازی های مکتب اجتماع گرایی برای تحلیل مسائل اندیشه سیاسی ایران در این دو مفهوم بیشتر از مکتب لیبرالیسم است.